

تبیین جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری

اشاره:

فناوری و دانش فنی در دنیای امروز به یک مزیت نسبی قابل خلق تبدیل شده که دارندگان آن قادر خواهند بود سهم خود را در تجارت جهانی روزبه‌روز افزایش دهند. کشورهای پیشرفته صنعتی که مراکز عمده پژوهش و تحقیق را در اختیار دارند، سالانه مبالغ هنگفتی را در بخش تحقیق و توسعه صرف می‌کنند تا بتوانند به فناوری‌های جدید دست یابند. آنها در همین حال برای حمایت از دستاوردهای علمی و فناوری خود، به عنوان یک مزیت نسبی، حقوق ویژه‌ای را قابل شده‌اند و اشخاص حقیقی یا حقوقی که بخواهند از این فناوری‌ها استفاده کنند، می‌بایست حقوقی را به دارندگان آنها پرداخت کنند.

این موضوع که در سند گفت‌وگوهای دور اروگوئه آمده است، اگرچه از یک سو حقوق دارندگان فناوری را در قالب «حقوق مالکیت فکری» مورد حمایت قرار می‌دهد، اما از سوی دیگر دستیابی به دانش فنی و فناوری‌های روز را برای کشورهای در حال توسعه پرهزینه‌تر می‌سازد.

در این مقاله به بررسی موضوع «حقوق مالکیت فکری» از دیدگاه موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۹۴) و سازمان جهانی تجارت (WTO) می‌پردازیم.

کشورهای در حال توسعه با هدف تسهیل دستیابی به فناوری و دانش فنی روز از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ دست به تلاشی برای اصلاح قوانین حاکم بر انتقال دانش فنی و فناوری و قوانین مربوط به «حق مالکیت اختراعات و اکتشافات» زدند. در این زمینه آنها پیشنهادهایی در رابطه با «نظم اقتصادی بین‌المللی نوین» ارایه کردند. در آن زمان کنوانسیون ۱۸۸۳ پاریس در مورد حفظ حقوق مالکیت صنعتی با وجود تجدیدنظرهای مکرر، فقط منافع کشورهای توسعه‌یافته را تأمین می‌کرد و به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه نداشت. آنها خواستار تجدیدنظر کشورهای در حال توسعه در شرایط خود برای انتقال فناوری به کشورهای روبه‌رشد بودند. آنها همچنین عقیده

مقابل دستیابی کشورهای روبه‌رشد به دانش فنی و فناوری‌های نوین را دشوارتر می‌سازد.

کشورهای در حال توسعه به دشواری قادر به تأمین ۳ درصد از هزینه‌های تحقیق و توسعه در سطح جهانی هستند. تعداد کمی از کشورهای روبه‌رشد جهان در دهه ۱۹۹۰ به سطحی از توسعه علمی - فنی دست یافتند که قادر به ابداعات و اختراعات جدید شدند. این کشورها که اکثرشان در منطقه شرق آسیا قرار دارند، به مشابه‌سازی فناوری‌های جدید پرداختند و خود نیز ابتکارات و ابداعات جدیدی داشته‌اند و امروزه در ردیف کشورهای تازه صنعتی شده جهان قرار گرفته‌اند.

اما بیشتر کشورهای در حال توسعه نه تنها قادر به تأمین هزینه‌های هنگفت برای تحقیق و توسعه نیستند، بلکه پایگاه‌های علمی و تحقیقاتی درخور توجه نیز ندارند و لذا حق انحصاری بصرای اختراعات و اکتشافات، هزینه دستیابی به فناوری‌های جدید را برای آنها سنگین‌تر می‌سازد و بر قابلیت رقابت آنها در بازارهای جهانی اثر می‌گذارد. چه بسا که عوامل و مزیت‌های تولید شماری از کالاهای صنعتی در این کشورها وجود دارد، اما به لحاظ فقدان دسترسی به دانش

از طریق یک برنامه جدید و از مسیر گفت‌وگوهای دور اروگونه پیگیری کردند. این برنامه اولین بار از سوی آمریکا در اجلاس توکیو مطرح شد و هدف آن جلوگیری از جعل، تقلید و استفاده غیرمجاز از اختراعات بود. گرچه این برنامه در نشست توکیو به تصویب نرسید، اما آمریکا در سال ۱۹۸۲ پیش‌نویس دیگری را تهیه و ارائه کرد که در سال ۱۹۸۵ مورد بحث قرار گرفت و سرانجام در نشست ژنو (۱۵ دسامبر ۱۹۹۳) به تصویب رسید.

کشورهای صنعتی با اشاره به آنکه برنامه‌های تحقیق و توسعه هزینه‌های هنگفتی دربردارد، عقیده دارند که می‌بایست از طریق انحصاری کردن حق بهره‌برداری از اختراعات و اکتشافات، این هزینه‌ها جبران و انگیزه کافی برای پیشبرد امر فراهم شود. در غیر این صورت سرمایه‌گذاری در بخش‌های تحقیق و توسعه مقرون به صرفه نخواهد بود و متوقف می‌شود.

واضح است کشورهای که به سطح قابل قبولی از پیشرفت‌های علمی و فناوری رسیده‌اند، می‌بایستی از حقوق مربوط به اختراعات و اکتشافات حمایت کنند و آن را یک مزیت نسبی در تجارت بین‌المللی برای خود ببینند. چنین حمایتی منافع آنها را تأمین و تضمین می‌کند، اما در

داشتند که قانون مالکیت حقوق صنعتی می‌بایستی تعادلی منطقی را به وجود آورد. به عبارتی از یک سو انگیزه‌های مربوط به پیگیری اختراعات، ابتکارات و اکتشافات در کشورهای صنعتی را تقویت کند و از سوی دیگر به نیازهای کشورهای روبه‌رشد، توجه داشته باشد. زیرا دادن حق انحصاری به کشورهای صاحب دانش و فناوری، کشورهای در حال توسعه را با موانع جدی انتقال دانش فنی و فناوری مواجه می‌سازد.

کشورهای در حال توسعه بر این باور بودند که حمایت یا انحصار اختراعات و اکتشافات می‌بایست به تناسب سطح توسعه‌یافتگی کشورها و پیشرفت‌های آینده صورت گیرد و برای دستیابی کشورهای در حال توسعه به دانش و فناوری‌های جدید، محدودیت‌های کمتری اعمال شود، اما تلاش کشورهای در حال توسعه در این زمینه در دهه ۱۹۸۰ به ویژه در خصوص انجام اصلاحاتی در کنوانسیون پاریس به نتیجه نرسید، البته کشورهای توسعه یافته نیز نتوانستند نظرات خود را به تصویب برسانند.

کشورهای صنعتی به رهبری ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۸۰ دست به ابتکار عمل تازه‌ای زدند و حق مالکیت اختراعات و ابتکارات را

فنی و فناوری، این استعدادهای بالقوه، به فعل در نمی‌آید. نکتند را مشمول تنبیه قرار داد. قوانین داخلی آمریکا موسوم به قانون ۳۰۱ و امتیاز در تبصره دیگری از بین رفته برنامه پیشنهادی آمریکا، تعهدات کشورهای عضو گات یا سازمان جهانی تجارت در قبال حقوق انحصاری مالکیت فکری را سنگین تر می‌سازد. بر اساس این برنامه، چنانچه کشورهای عضو به این تعهدات پایبندی نداشته باشند، کشورهای دارای حقوق انحصاری

تلاش‌های کشورهای در حال توسعه برای تسهیل دستیابی به فناوری روز و دانش فنی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ جهت اصلاح قوانین حاکم بر انتقال دانش فنی و قوانین مربوط به حق مالکیت اختراعات و اکتشافات نتیجه‌ای دربرنداشت.

می‌توانند در قبال آنها دست به اقدامات تلافی‌جویانه بزنند. این قانون استفاده کرده است. موافقتنامه عمومی تفرقه و تجارت، حتی حق تلافی کردن را برای کشورهای دارای حق امتیاز انحصاری در قبال تخلف کشورهای توسعه یافته، به طور کامل محفوظ می‌دارد. حتی رسیدگی به شکایات در مورد تخلف از حق امتیاز انحصاری را به دبیرخانه گات واگذار کرد. این موافقتنامه در قبال تعهد کشورهای در حال توسعه به پذیرش اصول، هیچگونه امتیازی به آنها با وجود عقب‌ماندگی فناوری نمی‌دهد. در این موافقتنامه یک دوره انتقال ۱۰ ساله منظور شده که طی آن کشورهای در حال توسعه می‌بایست قوانین ملی خود را با قوانین پیشنهادی گات تطبیق دهند. اما این اقدامات تلافی‌جویانه بزنند. بر اساس این برنامه، فناوری‌های جدید در زمینه‌های بیوتکنولوژی، نرم‌افزار، بانک اطلاعات و مدارهای یکپارچه تا حداکثر امکان تحت حمایت قانون «حفظ مالکیت اختراعات و اکتشافات» قرار می‌گرفت. این برنامه شرایط دشواری را پیش روی کشورهای در حال توسعه می‌گذاشت و هدف آن فقط حمایت از انحصارهای کشورهای پیشرفته بود. با وجود آنکه این برنامه پذیرفته نشد، آمریکا به طور یکجانبه حق تلافی را برای خود حفظ کرد و کشورهای که قانون حق مالکیت اختراعات و اکتشافات را رعایت

توسعه را تحت‌الشعاع قرار داده است. با وجود آنکه برخی کارشناسان ادعا کرده‌اند که اگر قوانین حقوقی کشورهای در حال توسعه در خصوص حقوق مالکیت فکری تغییر یابد و با قوانین گات منطبق گردد، کشورهای پیشرفته حاضر به سرمایه‌گذاری در بخش‌های تحقیق و توسعه آنها خواهند بود، اما واقعبینان چنین نبوده و حقوق انحصاری دارندگان فناوری، روند انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه را با کندی مواجه ساخته است. بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که قوانین آمریکا و اتحادیه اروپا تنگناهایی را برای کشورهای در حال توسعه در دستیابی به فناوری

نویسن ایجاد کرده است. برای مثال قانون تجارت و تعرفه آمریکا مصوبه ۱۹۸۴ که اعطای تعرفه‌های ترجیحی به کشورهای در حال توسعه را منوط به حمایت مؤثر آنها از حقوق مالکیت فکری کرده و نیز بخش ۳۰۱ این قانون که به رییس‌جمهور اجازه داده که تجارت با کشورهایی که به رویه‌های تجاری غیرمنطقی مبادرت می‌ورزند را محدود سازد.

قانون تجارت مصوب ۱۹۸۸ به نماینده تجاری آمریکا اختیار داده، فهرستی از کشورهایی که ناقض حقوق مالکیت فکری هستند تهیه و ضرب‌الاجلی برای آنها تعیین کند و مجازات‌های تجاری علیه‌شان اعمال نماید. قوانین اتحادیه اروپا اعمال اقدامات یکجانبه علیه کشورهایی که موضوع حمایت از مالکیت فکری را نقض کنند، را مجاز می‌داند.

در اعلامیه «نوپتا دل ایته» در سپتامبر ۱۹۸۶ که مذاکرات دور اروگونه آغاز شد، در خصوص اهداف مذاکرات مربوط به مالکیت فکری آمده است: «به منظور کاهش تحریف‌ها و تنگناها در تجارت بین‌الملل و لزوم حمایت مؤثر و کافی از حقوق مالکیت فکری و اطمینان از این که اقدامات رویه‌های متخذه جهت تقویت حقوق مالکیت فکری به خودی خود به ایجاد موانعی در برابر تجارت مشروع

منجر نمی‌شود، هدف مذاکرات باید تصریح مقررات گات و در صورت لزوم تدوین قواعد و نظامات جدید در این زمینه باشد.»

با این وصف برای اولین بار حمایت از حقوق مالکیت فکری در چارچوب مذاکرات چندجانبه قرار گرفت. موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPS) دربرگیرنده قواعدی برای حمایت از حق تکثیر (کپی‌رایت)، نشانه‌های تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، حق ثبت اختراع، طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه، اطلاعات افشا نشده و آثار فرهنگی، ادبی، برنامه‌های رایانه‌ای و ضبط موسیقی و نیز آثار سینمایی است.

در سند نهایی گفت‌وگوهای دور اروگونه، با اشاره به لزوم تشویق حمایت مؤثر و کافی از حقوق مالکیت فکری و تضمین این که اقدامات و روش‌های اجرایی حقوق مالکیت فکری خود به صورت موانعی فراراه تجارت مشروع در نیاید، در خصوص قواعد و نظامات جدید بر چند نکته تکیه شده است.

الف - چگونگی اجرای اصول اساسی گات ۱۹۹۴ و کنوانسیون‌ها یا موافقتنامه‌های بین‌المللی مربوط به مالکیت فکری.

ب - ارایه اصول و استانداردهای کافی در خصوص چگونگی دسترسی، حوزه شمول و کاربرد جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری.

ج - ارایه طرق مؤثر و مناسب برای اجرای جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، با در نظر گرفتن تفاوت‌های موجود میان نظام‌های حقوق ملی.

د - ارایه روش‌های مؤثر و سریع برای جلوگیری چندجانبه از اختلافات میان دولت‌ها و حل و فصل اختلافات میان آنها.

ه - برقراری ترتیبات موقت به منظور تأمین بیشترین مشارکت در نتایج مذاکرات.

این موافقتنامه بر تأیید وضع چارچوبی چندجانبه متشکل از اصول، قواعد و نظاماتی که به تجارت بین‌المللی کالاهای تقلبی پردازد، خصوصی بودن حق مالکیت فکری، اهداف سیاست‌های عمومی اصلی در نظام‌های ملی برای حمایت از مالکیت فکری از جمله اهداف مربوط به فناوری و توسعه و نیز تأیید نیازهای ویژه کشورهای عضو دارای کمترین میزان توسعه‌یافتگی به برخورداری از حداکثر انعطاف در اجرای داخلی قوانین و مقررات به منظور قادر ساختن آنها به ایجاد یک مبنای تکنولوژیک درست و معتبر، صحه گذاشته است.

در قسمت اول موافقتنامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، مقررات عمومی و اصول اساسی، در قسمت دوم استانداردهای مربوط به قابلیت دسترسی، حوزه شمول و کاربرد حقوق مالکیت فکری، در قسمت سوم اجرای حقوق مالکیت فکری، در قسمت چهارم کسب و حفظ حقوق مالکیت فکری و رویه‌های مربوط میان طرف‌ها، در قسمت پنجم جلوگیری از اختلاف‌ها و حل آنها، در قسمت ششم ترتیبات انتقالی و در قسمت هفتم ترتیبات نهادی، مقررات پایانی آمده است.

بر اساس قسمت اول موافقتنامه، اعضای گات می‌توانند بدون اینکه تمهیدی داشته باشند، در قوانین داخلی خود حمایتی گسترده‌تر از آنچه در موافقتنامه از آنها خواسته شده، در نظر بگیرند، مشروط بر آنکه با مقررات موافقتنامه تعارض نداشته باشد.

آنها همچنین می‌بایست رفتاری را در مورد اتباع اعضای دیگر اتخاذ کنند که در موافقتنامه گات ۱۹۹۴ پیش‌بینی شده است.

ماده ۴ رفتار مبتنی بر شرط دولت کامله‌الوداد را مطرح می‌سازد که بر اساس آن هر گونه مزایا، منافع، امتیازات یا معافیتی که در خصوص حمایت از مالکیت فکری، یک عضو به اتباع هر کشور اعطا کند، فوراً و

بدون هیچ گونه قید و شرطی در مورد اتباع تمام اعضای دیگر پذیرفته خواهد شد.

ماده ۵، موافقتنامه چندجانبه در مورد کسب یا حفظ حمایت تصریح می‌کند که تعهدات مربوط به رفتار ملی (ماده ۳) و رفتار مبتنی بر شرط دولت کامله‌الوداد (ماده ۴) در مورد رویه‌های مقرر در موافقتنامه چندجانبه منعقد تحت نظارت سازمان جهانی مالکیت فکری درباره کسب یا حفظ حقوق مالکیت فکری، قابل اعمال نخواهند بود.

در قسمت دوم موافقتنامه «استانداردهای مربوط به قابلیت دسترسی، حوزه شمول و کاربرد حقوق مالکیت فکری» در بخش اول حق کپی‌برداری و حقوق مرتبط با آن، برنامه‌های رایانه‌ای و گردآوری داده‌ها، حقوق اجاره‌ای، مدت حمایت، محدودیت‌ها و استثنائات، نحوه حمایت از اجراکنندگان، تولیدکنندگان صفحه گرامافون (ضبط صوت) و سازمان‌های پخش کننده آمده است.

در بخش دوم با عنوان «حقوق تجاری، موضوع قابل حمایت، حقوق اعطایی، استثنائات، مدت حمایت، شرط استفاده، سایر شرایط، اعطای پروانه و واگذاری تشریح شده است. بخش سوم مربوط به «حقوق جغرافیایی است که به بحث در

خصوص حمایت از علائم جغرافیایی، حمایت اضافی در مورد علائم جغرافیایی و مذاکرات بین‌المللی - استثنائات می‌پردازد.

بخش چهارم مربوط به طرح‌های صنعتی است که شرایط حمایت را مطرح می‌کند.

بخش پنجم حق ثبت اختراع (موضوع قابل ثبت، حقوق اعطایی، شرایط در مورد متقاضیان ثبت اختراع، استثنائات حقوق اعطایی، استفاده دیگران بدون کسب اجازه از دارنده حق فسخ، ضرر و زیان، مدت حمایت، ثبت‌های مربوط به فرآیند، وظیفه اثبات) را مشخص می‌سازد.

بخش ششم طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه را دربرمی‌گیرد که راجع به معاهده مالکیت فکری در مورد مدارهای یکپارچه (IPIC) حوزه شمول حمایت، اقداماتی که مستلزم کسب اجازه از دارنده حق نیستند و مدت حمایت است.

بخش هفتم مربوط به حفاظت از اطلاعات افشا نشده و بخش هشتم کنترل رویه‌های ضدرقابتی در پروانه‌ها (لیسانس‌های) قراردادی است.

در قسمت سوم موافقتنامه که عنوان آن «اجرای حقوق مالکیت فکری» است، در بخش اول تعهدات کلی مطرح شده است. یعنی اعضا تضمین می‌کنند که رویه‌های اجرایی

<p>۳- هر عضو دیگری که فرآیند انتقال از اقتصاد مبتنی بر برنامه‌ریزی متمرکز به اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد را طی می‌کند و اصلاحاتی ساختاری در سیستم مالکیت فکری خود انجام می‌دهد و با مسایل خاص در تهیه و اجرای قوانین و مقررات مالکیت فکری مواجه است، می‌تواند از تأخیر پیش‌بینی شده در بند ۲ منتفع شود.</p>	<p>اغماض) آمده است. در بخش پنجم آیین‌های دادرسی کیفری مطرح شده است.</p> <p>در قسمت چهارم موافقتنامه که عنوان «کسب و حفظ حقوق مالکیت فکری و رویه‌های مربوط میان طرف‌ها» را دارد، آمده است: اعضا به عنوان شرطی برای کسب یا حفظ حقوق مالکیت فکری پیش‌بینی شده در بخش‌های ۲ تا ۶ قسمت دوم، می‌توانند رعایت رویه‌ها و تشریفات معقولی را خواستار شوند. این رویه‌ها و تشریفات منطبق با مقررات این موافقتنامه خواهند بود.</p>	<p>مقرر در موافقتنامه را طبق قوانین خود قابل حصول و دسترس سازند و وسایل جبران خسارت سریع برای جلوگیری از نقض و وسایل جبران خسارتی که مانع نقض بیشتر شوند را فراهم آورند.</p>
<p>۴- تا جایی که یک کشور در حال توسعه به موجب این موافقتنامه متعهد به تسری حمایت از ثبت محصول به زمینه‌هایی از تکنولوژی می‌باشد که در تاریخ کل اجرای موافقتنامه حاضر توسط عضو مزبور به نحو مذکور در بند ۲، از آنها در قلمروشان حمایت نمی‌شده است، می‌تواند اجرای بخش ۵ از قسمت ۲ را در مورد این زمینه‌های تکنولوژی به مدت پنج سال دیگر به تأخیر اندازد.</p>	<p>قسمت ششم موافقتنامه با عنوان ترتیبات انتقالی برای کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار حایز اهمیت است. در ماده ۶۵ در خصوص ترتیبات انتقالی در بند ۱ آمده است: با رعایت مقررات بندهای ۲، ۳ و ۴ هیچ عضوی متعهد نیست مقررات موافقتنامه حاضر را قبل از انقضای یک دوره کلی یک ساله پس از لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه سازمان جهانی تجارت به اجرا درآورد.</p>	<p>در این بخش تصریح شده است که رویه‌های مربوط به اجرای حقوق مالکیت فکری منصفانه و عادلانه خواهند بود. این رویه‌ها به گونه‌ای غیرضروری، پیچیده یا پرهزینه نبوده و در آنها مهلت‌های غیرمعقول یا معطلی‌های بی‌جهت وجود نخواهد داشت.</p> <p>در بخش دوم آن نیز رویه‌ها و وسایل جبران خسارت حقوقی و اداری شامل رویه‌های عادلانه و منصفانه، مدارک، دستورات کتبی دادگاه، خسارت، سایر وسایل جبران خسارت، حق معطل ساختن، پرداخت غرامت به مدعی علیه و رویه‌های اداری آمده است.</p>
<p>۵- عضوی که طبق بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ از دوره انتقالی استفاده می‌کند، تضمین خواهد کرد، هر گونه تغییری که در قوانین، مقررات و عملکردهایش ظرف این مدت ایجاد گردد، به عدم انطباق بیشتر با موافقتنامه حاضر منجر نشود.</p>	<p>۲- هر یک از کشورهای در حال توسعه عضو می‌توانند تاریخ اجرای مقررات این موافقتنامه به نحو مذکور در بند ۱ را جز در خصوص مواد ۳، ۴ و ۵ برای چهار سال دیگر به تأخیر اندازد.</p>	<p>در بخش سوم، اقدامات موقتی (تأمینی)، در بخش چهارم الزامات خاص مربوط به اقدام در مرزها (شامل تعلیق ترخیص توسط مقامات گمرکی، درخواست، وثیقه یا تضمین معادل، اطلاعیه تعلیق، مدت تعلیق، جبران خسارت واردکننده و مالک کالاها، حق بازرسی و اطلاعات، اقدام بر حسب مورد، وسایل جبران خسارت و واردات درصد قابل</p>

به لحاظ نیازمندی‌ها و شرایط ویژه کشورهای عضو دارای کمترین میزان توسعه یافتگی، محدودیت‌های اقتصادی، مالی و اداری آنها و نیاز این کشورها به برخورداری از انعطاف برای ایجاد یک مبنای تکنولوژیکی بادوام، کشورهای مزبور الزامی ندارند مقررات این موافقتنامه به جز مواد ۳، ۴ و ۵ را تا ده سال پس از اجرای آن، به نحو مقرر در بند ۱ ماده ۶۵ اعمال کنند.

«شورای جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری به مجرد درخواست به جا و به موقع کشور عضو دارای کمترین میزان توسعه یافتگی، این مدت را تمدید خواهد کرد.

در بند ۲ این ماده نیز تصریح شده است که کشورهای توسعه یافته برای پیشبرد و تشویق انتقال تکنولوژی به کشورهای مزبور، انگیزه‌هایی را برای بنگاه‌ها و مؤسسات واقع در قلمرو خود ایجاد خواهند کرد.

در ماده ۶۷ در خصوص همکاری فنی نیز آمده است که کشورهای توسعه یافته ترتیباتی را برای همکاری‌های فنی و مالی به نفع کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای کمترین میزان توسعه یافتگی، به عمل خواهند آورد.

در قسمت هفتم موافقتنامه که ترتیبات نهادی، مقررات پایانی عتوان آن است، در ماده ۶۸ شورای جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، نظارت بر اجرای موافقتنامه را به عهده دارد. ماده ۶۹ در خصوص همکاری‌های بین‌المللی برای از بین بردن تجارت کالاهای ناقض حقوق مالکیت فکری، ماده ۷۰ در خصوص حمایت از موضوعات موجود، ماده ۷۱ در خصوص بررسی و اصلاح، ماده ۷۲ ایراد قید و شرط و ماده ۷۳ در خصوص استثنائات تأمین است.

با وجود آنکه در موافقتنامه مربوط به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، برای انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه، امکانات و مزایایی را در نظر گرفته و اجرای مقررات را به تأخیر انداخته است، با این حال این موافقتنامه در کل می‌تواند بر روند دستیابی کشورهای در حال توسعه به فناوری روز مشکلاتی را ایجاد کند.

با این حال، دور ماندن کشورهای در حال توسعه از فرآیند جهانی شدن و نیز موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۹۴) نمی‌تواند آینده نویدبخشی را برای آنها به ارمغان

آورد. از یک سو کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند و از سوی دیگر، کشورهای غیرعضو همچنان با قوانین داخلی کشورهای عضو در خصوص حفظ حقوق مالکیت فکری و مجازات‌های اقتصادی روبه‌رو خواهند بود.

از این رو می‌توان گفت در مجموع عضویت در این جامعه جهانی می‌تواند امتیازاتی را برای دستیابی به دانش و فناوری، همکاری‌های فنی و... ایجاد کند که در نهایت منافی را برای تسریع روند توسعه اقتصادی پایدار کشورهای در حال توسعه به ارمغان خواهد داشت.

در همین حال اجرای مقررات مربوط به حقوق مالکیت فکری در بین کشورهای توسعه یافته، فرآیند تحقیقات و توسعه در این کشورها را گسترش می‌دهد و سرمایه‌گذاری در این بخش را به لحاظ برخورداری از حمایت‌های قانونی، تشویق می‌کند.

